ویژگی‌های شخصیتی فاطمه(س)

اگر بخواهیم فاطمه(س) را به عنوان سرمشق زندگی خود قرار دهیم و شیوه و سبک زندگی خود را بر اساس آن ساماندهی کنیم، می‌بایست به جزئیات زندگی ایشان و خصوصیات اخلاقی و منش‌ها و کنش‌ها و حتی واکنش‌های ایشان آگاهی داشته باشیم. هر چند که اطلاعات در این باره بسیار ناقص است ولی با همین میزان اطلاعاتی که از طریق قرآن و روایات معتبر در اختیار داریم می‌توانیم شیوه و سبک زندگی ایشان را به دست آوریم و بر اساس آن زندگی خود را سامان دهیم.

از آنجا که بر اساس روایات، میان حضرت فاطمه(س) و دیگرانی چون حضرت مریم(س) و آسیه بنت مزاحم(س) همسر فرعون شباهت‌هایی وجود دارد می‌توان از آن دسته آیاتی که به سبک زندگی آنان پرداخته نیز استفاده کرد. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آیات و روایات معتبر برخی از ویژگی‌های آن حضرت(س) را تبیین و روشن کرده است تا الگویی برای انسان مسلمان در حال و آینده باشد.

خلیل منصوری

فاطمه(س)، انسان کامل

فاطمه(س) از نظر آموزه‌های قرآنی انسان کاملی است که به سبب همین ویژگی می‌تواند سرمشق بی‌چون و چرای مردم شود و انسان‌ها برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی از ایشان بیاموزند. آن حضرت(س) همانند حضرت مریم(س) و حضرت آسیه(س) همسر فرعون سرمشق نیک و پسندیده مومنان از مرد و زن است و این‌گونه نیست که افکار و عقاید و رفتار و کردار ایشان تنها سرمشق زنان باشد.

حضرت فاطمه(س) به عنوان اهل بهشت از سوی خداوند در آیات سوره انسان معرفی شده است. این بدان معناست که ایشان از نظر قرآن، انسان کاملی است که بر مدار حق بوده و زندگی او بی‌چون و چرا می‌بایست سرمشق قرار گیرد. خداوند زمانی بهشتی بودن ایشان را اثبات می‌کند که هنوز تا زمان شهادت حضرت، حوادث بسیاری رخ داده و ایشان کنش‌ها و واکنش‌های بسیاری داشته است. پس همه آنچه ایشان از قول و فعل و تقریر انجام داده از نظر قرآن حجت خداوند بر مردمان است و می‌بایست به عنوان روش درست و صراط مستقیم و میزان اعمال مورد استفاده همگان به‌ویژه مومنان قرار گیرد. البته از آیات دیگر از جمله آیه ۳۳ سوره احزاب می‌توان عصمت ایشان را به دست آورد که خود بیانگر آن است که هیچ عمل و قول حضرت بر خلاف فرمان شریعت نیست.

ویژگی‌های حضرت فاطمه(س) را می‌توان در ابعاد روحی، اخلاقی، اجتماعی، عملی و مانند آن دسته‌بندی کرد. در اینجا تلاش شده تا برخی از مهم‌ترین آنها برای بهره‌گیری در راستای معرفی سرمشق‌های الهی بیان شود.

ویژگی‌های شخصیتی

هر کسی دارای شخصیتی است که اموری چون وراثت، تعلیم و تربیت، زمان و اجتماع، آن را شکل می‌دهد. رفتار هر کسی متأثر از شخصیت اوست؛ چنانکه رفتار نیز در تثبیت شخصیت و یا تغییر مثبت و منفی آن نقش دارد. بنابراین، آگاهی از شخصیت می‌تواند برای فهم رفتارهای شخص مفید باشد. از سویی دیگر این افکار، عقاید، باورها و بینش‌ها و نگرش‌های شخص است که او را از دیگران متمایز می‌کند و رفتارش را شکل می‌دهد. بنابراین، برای همانندی با او لازم است تا این شخصیت شناخته شود تا بتوان او را سرمشق زندگی خود قرار داد.

حضرت فاطمه(س) هر چند که از نظر نوری در جایگاه خاصی همانند دیگر چهارده معصوم(ع) قرار دارد، ولی حضور فیزیکی و بشری او اقتضائاتی دارد که او را همانند دیگر مردمان ساخته است. بر همین اساس می‌توان در بسیاری از امور او را سرمشق زندگی قرار داد، هر چند که نمی‌توان به سبب همان اختصاصات ایشان و چهارده معصوم(ع) به کمالی دست یافت که ایشان به فضل الهی بدان دست یافته‌اند و به حکم سنت تکوینی الهی، فضیلت خاصی به آنان داده شده که بیرون از وصول دیگر انسان هاست. اما باید توجه داشت که آنچه از انسان‌ها خواسته شده همانندسازی در اموری است که امکان آن برای همگان فراهم آمده است. پس می‌توان با سرمشق سازی ایشان در قول و فعل و عمل کاری کرد که سبک زندگی آنان را در پیش گرفته و به مقامات انسانی بایسته و شایسته‌ای دست یافت.

به سخن دیگر، هر چند که به طور تکوینی برخی از مردم بر برخی دیگر تفضیل داده شده‌اند؛ چنانکه انسان‌ها بر بسیاری از موجودات و(اسراء، آیه ۷۰) یا پیامبرانی بر برخی دیگر از پیامبران(بقره، آیه ۲۵۳) مردان بر زنان از نظر تکوینی دارای برخی فضایل هستند(نساء، آیه ۳۴)، ولی این بدان معنا نیست که خداوند از زنی بخواهد تا خود را همانند مردی کند یا از مردم بخواهد که خود را همانند چهارده معصوم(ع) در تمامی جهات کنند، بلکه در مواردی که امکان آن وجود دارد، می‌بایست همانندسازی صورت گیرد.

در اینجا به برخی از ویژگی‌های شخصیتی ایشان اشاره می‌شود که شامل هر دو دسته از فضایل تکوینی و

یکی از مهم‌ترین خصوصیات آن حضرت(س) اخلاص است. خداوند بارها از ایمان توحیدی ایشان سخن به میان آورده که موجب شده تا در اخلاص به جایی برسد که جز خدا نبیند. از جمله آیاتی که به اخلاص ایشان اشاره دارد، آیات ۸ و ۹ سوره انسان است. اجماع مفسّران امامیّه و بسیاری از مفسّران اهل سنّت بر آن است که آیات یادشده درباره امام علی و فاطمه (علیهم السلام) و نذر ایشان برای روزه و اطعام خالصانه به نیازمندان بوده است.

غیرتکوینی می‌شود. به این معنا که برخی از آنها به فضل الهی و برخی دیگر با کسب و اکتساب تحصیل شده است.

۱. اخلاص: یکی از مهم‌ترین خصوصیات آن حضرت(س) اخلاص است. خداوند بارها از ایمان توحیدی ایشان سخن به میان آورده که موجب شده تا در اخلاص به جایی برسد که جز خدا نبیند. از جمله آیاتی که به اخلاص ایشان اشاره دارد، آیات ۸ و ۹ سوره انسان است. اجماع مفسّران امامیّه و بسیاری از مفسّران اهل سنّت بر آن است که آیات یاد شده درباره امام علی و فاطمه (علیهم‌السلام) و نذر ایشان برای روزه و اطعام خالصانه به نیازمندان بوده است. (الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰؛ مجمع البیان، ج ۹ – ۱۰، ص ۶۱۱ – ۶۱۲)

۲. عصمت: عصمت فاطمی(س) یکی از فضایل ایشان است. خداوند در آیاتی از جمله آیه ۳۳ سوره احزاب از عصمت آن حضرت(س) سخن گفته است. فاطمه(س) از جمله اهل‌بیت پیامبر(علیهم‌السلام)است که اراده الهی بر پاکی و عصمت او از هر نوع آلودگی تعلّق گرفته است.(جامع‌البیان، ج ۱۲، جزء ۲۲، ص ۹؛ تفسیر التحریروالتنویر، ج ۱۱، جزء ۲۲، ص ۱۵) بر اساس روایات و تفاسیر شیعه و اهل سنّت، آیه ۳۳ سوره احزاب پس از اینکه علی، فاطمه، حسن و حسین(علیهم‌السلام) به منزل رسول خدا(صلی الله علیه وآله) آمدند و حضرت آنان را زیر عبای خود قرار داد، نازل شده است. این آیه دلالت بر عصمت آن حضرت(س) دارد. (ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ج ۲، ص ۴۱ و ۲۲۵؛ کفایه الطّالب فی مناقب علیّ بن ابی طالب، ص ۲۴۲؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۷۰ – ۲۷۶، ح ۸۴ و ۹۰ – ۹۴ و ۹۷ و ۱۰۴ – ۱۰۶؛ الدرالمنثور، ج ۶ ، ص ۶۰۳ – ۶۰۵)

۳. طهارت روحی و معنوی: به تصریح روایات فراوان و اعتراف مفسّران شیعه و بسیاری از علماء و مفسّرین سنّی آیه «تطهیر» «إنّما یُریدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرّجسَ أهلَ البَیتِ و یُطَهّرَکُم تَطهیراً»(احزاب، آیه ۳۳) در مورد امیر مؤمنان علی و فاطمه و حسن و حسین ـ علیهم السّلام ـ نازل شده است(امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۵۴ و ص ۲۶۹ و ۲۷۰، امالی صدوق، ص ۳۸۱ ـ ۳۸۲ ـ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷ ـ الفصول المختاره، شیخ مفید، چاپ قم، ص ۲۹ ـ ۳۰) و منظور از اهل بیت معصوم پیامبر(ص) همین بزرگوارانند و همان طور که مفسّران بزرگ نوشته‌اند آیه دلالت بر معصوم بودن آنان دارد و نیز دهها روایت و استدلال دیگر در این زمینه هست که علاقمندان می‌توانند برای اطلاع بیشتر به کتاب‌های مفصّل مراجعه نمایند؛ در اینجا به نقل یک روایت اکتفا می‌کنیم: «نافع بن ابی الحمراء» می‌گوید: «من هشت ماه (در مدینه) حاضر بودم و پیامبر(ص) را می‌دیدم که هر روز هنگامی که برای نماز صبح بیرون می‌آمد به در خانه فاطمه (س) می‌رفت و می‌فرمود: «السّلام عَلَیکُم یا اَهلَ البیتِ و رحمةُ اللهِ و بَرَکاتُه، الصّلاةُ، إنّما یُریدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرّجسَ أهلَ البیتِ وَ یُطَهّرَکُم تَطهیراً: سلام بر شمای اهل بیت و رحمت و برکت‌های خدا بر شما باد. وقت نماز است. همانا خدای متعال اراده فرموده است که از شما اهل‌بیت هر گونه ناپاکی را دور سازد و پاکتان سازد پاک ساختنی.»(کشف الغمّه، ج ۲، ص ۱۳ ـ و نیز شبیه همین روایت به نقل از امیرالمؤمنان (ع) در امالی طوسی، ج ۱، ص ۸۸ ـ و باز در امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۵۷، و ج ۲، ص ۱۷۷ ـ ۱۷۸، و امالی مفید، ص ۱۸۸، و امالی صدوق، ص ۱۲۴)

۴. تقوا: بی‌گمان ایشان در تقوای الهی به جایگاهی رسیده است که او را امام المتقین و پیشوای پرهیزگاران ساخته تا مردمان با سرمشق قراردادن ایشان به مقامات والای انسانی برسند. آیات سوره انسان و نیز آیات دیگر گویای تقوای بالای ایشان است. آن حضرت(س) به گونه‌ای بودند که همه آنچه را خداوند از محرمات و مکروهات منع کرده ترک می‌کرده و به واجبات و مستحبات عمل می‌نموده است. تقوای فاطمی(س) ضرب‌المثل است.

۵. علم: خداوند در آیه ۴۳ سوره نحل از مردم می‌خواهد تا در امور دین و دنیا که نمی‌دانند به ایشان مراجعه کنند؛ چرا که ایشان اهل ذکر و عالمی هستند که می‌توان در امور دین و دنیا به آنان مراجعه بلکه باید مراجعه کرد. ناگفته نماند که در روایات متعددی «اهل‌الذّکر» بر اهل بیت پیامبر(ع)تطبیق شده است که از جمله آنها فاطمه(س)است. (شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۴۲۳ و ۴۳۷؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۵– ۵۹، ح ۸۷ – ۱۰۳)

۶. پوشش و حجاب: ایشان در پوشش و حجاب چنان زبانزد عام و خاص بود که حتی حاضر نبود که پس از مرگ نیز کسی کلیت اندام او را ببیند و لذا فرمان می‌دهد تا تابوتی ساخته شود تا در هنگام حمل، جسدش همچنان پوشیده بماند. وقتی آیات حجاب از جمله آیه ۵۹ سوره احزاب نازل شد و پیامبر(ص) مامور می‌شود تا آن را به فاطمه(س) و دیگر دختران آموزش دهد (روح‌المعانی، ج ۱۲، جزء ۲۲، ص۱۲۹)، آن حضرت(س) در این باره پیشگام می‌شود.

۷. عفت و حیا:حضرت فاطمه (س) عفت را امری مهم و ارزشی می‌دانست و در این باره می‌فرماید: همانا خداوند، نیکوکار بردبار با عفت را دوست می‌دارد. (دلائل‌الامامه، ص۱) ایشان درباره حیا نیز می‌فرمایند: همانا حیا از ایمان است و نتیجه ایمان، بهشت می‌باشد. (کافی، ج ۲، ص۱۰۶) آن حضرت(س) همچنین هر گونه ارتباط میان نامحرم بدون ضرورت را ناپسند می‌داند که زنی نامحرمی را بنگرد و یا با رفتن به خارج از خانه در معرض نگاه نامحرمان قرار گیرد. ایشان در این باره می‌فرماید: آنچه برای زنان نیکوست این است که- بدون ضرورت- مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز آنها را ننگرند. (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۴)

۸. شب زنده‌داری و سحرخیزی: آن حضرت(س) اهل تهجد و شب زنده داری بود. در این‌باره روایات بسیاری وارد شده است.(کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۵ و ۲۶ ـ بحار، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۸۲ ـ منتهی الامال، ص ۱۶۱ ـ بیت‌الاحزان، ص ۲۲) حضرت فاطمه(س) می‌فرماید: رسول خدا(ص) بر من گذشت، در حالی که در خواب صبحگاهی بودم، مرا با پایش تکان داد و فرمود: دخترم برخیز شاهد رزق و روزی پروردگارت باش و از غافلان مباش. زیرا که خداوند روزی های مردم را بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم می‌کند. (مسند فاطمه‌الزهراء، ص ۲۱۹)

۹. خوشخویی و خوش‌رویی: اهل بهشت جز خوش خویان نیستند. کسی که حسن خلق نداشته باشد به بهشت نمی‌رود. حضرت فاطمه(س) در تمام زندگی خود نشان داد که اهل خوشخویی است و او را همانند پیامبر(ص) به خلق عظیم ستوده‌اند. ایشان نیز دیگران را به این صفت تشویق می‌کند و می‌فرماید: پاداش خوشرویی در برابر مؤمن، بهشت است. (بحارالانوار، ج ۷۲، ص۴۰۱)

۱۰. رضایت خدا: از نظر حضرت فاطمه(س) هیچ چیزی مهم‌تر و با ارزش‌تر از رضایت خدا نیست. لذا به کاری اقدام می‌کرد که رضایت الهی در آن است. وقتی به او اعتراض می‌کنند که با امام علی(ع) ازدواج می‌کند که فقیر و بینواست، در پاسخ آنان تنها رضایت خداوندی و رسولش را مطرح می‌کند و در جایی می‌فرمایند: خشنودم به آنچه که خدا و پیامبر او برای من رضایت دادند. (مناقب ابن‌شهرآشوب، ج ۳، ص۳۵۱)

۱۱. عبادت و روزه: خداوند در آیات سوره انسان بیان می‌کند که حضرت فاطمه(س) روزه نذر می‌کرد و حتی در هنگام افطاری از همان غذایی که بشدت بدان نیاز داشت به دیگران ایثار می‌کرد.(سوره انسان و روایات تفسیری ذیل آن) امام حسن مجتبی (ع) فرمود: در دنیا کسی عابدتر از مادرم فاطمه(س) نبود؛ آنقدر به عبادت می ایستاد که پاهایش ورم می کرد.(بحارالانوار ج ۴۳ ص ۷۶). پیامبر(ص) درباره حضرت فاطمه(س) می‌فرمود: ایمان به خدا در اعماق دل و باطن روح زهرا چنان نفوذ کرده که برای عبادت خدا خودش را از همه چیز فارغ می‌سازد. (همان، ص ۴۶) فاطمه دخترم بهترین زن عالم است. پاره تن من و نور چشم من و میوه دل من و روح و روان من است. حوریه‌ای است به صورت انسان. آنگاه که در محراب عبادت می‌ایستد نورش برای ملائک آسمان درخشندگی دارد و خداوند به ملائکه خطاب می‌کند: بنده مرا ببینید! چطور در مقابل من به نماز ایستاده و اعضای بدنش از خوف می‌لرزد و غرق عبادت است! ای ملائکه گواه باشید که پیروان فاطمه را از عذاب دوزخ در امان قرار دادم. همان، ص ۱۷۲)

۱۲. ابرار: آن حضرت(س) به مقام ابرار رسیده است؛ چرا که در هر کار نیکی وارد می‌شد و در آنها مشارکت داشت. از جمله می‌توان به مشارکت ایشان در اطعام به دیگران اشاره کرد که در آیات ۵ و ۸ سوره انسان به آن اشاره شده است. بر اساس روایات منقول از شیعه و اهل سنّت، مقصود از «ابرار»، علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) است. (بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۷ – ۲۵۶؛ الدرالمنثور، ج ۸ ، ص ۳۷۱؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۶۹ – ۴۷۶، ح ۱۸ – ۲۴)

۱۳. اهل الذکر: بر اساس آیه ۴۳ سوره نحل فاطمه(س) از مصادیق اهل الذّکر است که می‌بایست برای امور دین و دنیا به آنان مراجعه کرد. در روایات متعددی «اهل‌الذّکر» بر اهل بیت پیامبر(ع)تطبیق شده است که از جمله آنها فاطمه(س)است. (شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۲۳ و ۴۳۷؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۵ – ۵۹، ح ۸۷ – ۱۰۳)

۱۴. اهل‌البیت: حضرت فاطمه(س) بر اساس آیه ۳۳ سوره احزاب از اهل بیت پیامبر(ص) است(ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ج ۲، ص ۴۱ و ۲۲۵؛ کفایه الطّالب فی مناقب علیّ بن ابی طالب، ص ۲۴۲؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۷۰ – ۲۷۶، ح۸۴ و ۹۰– ۹۴ و ۹۷ و ۱۰۴ – ۱۰۶؛ الدرالمنثور، ج ۶ ، ص ۶۰۳ – ۶۰۵) که مودت و ولایت آنان بر اساس آیاتی دیگر از قرآن از جمله آیه ۲۳ سوره شوری اثبات شده است. همچنین بر اساس روایات منقول از اهل سنّت و شیعه، پس از نزول آیه ۱۳۲ سوره طه رسول خدا(ص) درب خانه علی و فاطمه (علیهماالسلام) می آمد و در حالی که آیه تطهیر(احزاب، آیه ۳۳) را تلاوت می نمود، آنان را به نماز دعوت می کرد. (الدرالمنثور، ج ۵، ص ۶۱۳؛ مناقب، خوارزمی، ص ۶۰ ، ح ۲۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۱۰، ح ۱۹۱؛ ینابیع المودّة، ج ۲، ص۵۹)

پیامبر اکرم(ص) به آن حضرت می‌فرمود امابیها؛ یعنی، مادر پدرش (مادر من). فهم حقیقت و واقع این مطلب که چرا پیامبر اکرم(ص) به حضرت فاطمه(س) امابیها می‌فرمود بسیار مشکل است. ام به معنی مادر و اصل و پایه هر چیزی است و چیزهای دیگر به آن ملزم می‌شود، به همین خاطر شاید بتوان گفت حضرت زهرا(س) اصل و منشأ نبوت و ولایت است که اگر وجود آن بزرگوار نبود نبوت پیامبر و ولایت ائمه(ع) آشکار نمی‌شد.

۱۵. ذی‌القربی: یکی از فضایل آن حضرت(س) خویشاوندی با پیامبر(ص) است. در آیات چندی فضایل و اختصاصاتی برای ایشان ذکر شده که می‌بایست از سوی امت مراعات شود. از جمله آنها مسئله خمس و محبت و ولایت است. بر اساس روایتی منقول از حضرت امام موسی‌بن‌جعفر(ع) آنگاه که خداوند فدک را برای رسول خدا(ص) فتح کرد، آیه ۲۶ سوره اسراء نازل شد. خداوند به رسول خدا(ص) وحی کرد که مقصود از «وءات ذاالقربی حقّه» چه کسانی هستند و فرمان داد که آن حضرت(ص) فدک را به حضرت فاطمه(س) بدهد. (الکافی، ج ۱، ص ۵۴۳، ح ۵؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۵۴، ح ۱۵۸) در آیه ۳۸ سوره روم نیز به این مسئله‌اشاره شده است. همچنین در آیه ۲۳ سوره شوری و ۷ سوره حشر به حقوق خاص این خویشاوندی‌اشاره شده است. به هر حال، بر اساس روایات شیعه و اهل سنّت، مقصود از «القربی» علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) هستند که از حقوق اختصاصی برخوردارند. (البرهان، ج ۴، ص ۸۲۳ ، ح ۲۳؛ ینابیع المودّةً، ج ۱، ص ۳۱۵ و ج ۲، ص ۱۲۰؛ شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۱۸۹ – ۱۹۷؛ المیزان، ج ۱۹، ص ۲۰۳)

۱۶. ام ابیها: در کتاب مقاتل الطالبین و کشف الغمه آمده است که ام‌ابیها از کنیه‌های حضرت فاطمه زهرا(س) است که پیامبراکرم(ص) به آن حضرت می‌فرمود ام‌ابیها؛ یعنی، مادر پدرش (مادر من). فهم حقیقت و واقع این مطلب که چرا پیامبراکرم(ص) به حضرت فاطمه(س) ام‌ابیها می‌فرمود بسیار مشکل است. ام به معنی مادر و اصل و پایه هر چیزی است و چیزهای دیگر به آن ملزم می‌شود. به تعبیری دیگر ام به معنای(معظم) چیزهاست. هر چند برخی به سادگی از آن گذشته و تنها به این اکتفا کرده‌اند که حضرت از شدت علاقه به آن جناب می‌فرمود مادر من؛ ولی قطعا کلام پیامبر چیزی فراتر از تعارفات مرسوم و معمولی و احساسات و عواطف پدرانه است. شاید با توجه به اینکه ام در لغت به معنی اصل و ریشه است بتوان گفت حضرت زهرا(س) اصل و منشأ نبوت و ولایت است که اگر وجود آن بزرگوار نبود نبوت پیامبر و ولایت ائمه(ع) آشکار نمی‌شد. در روایت آمده که: «و کَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَیْهِ رَحّبَ بِهَا وَ قَبّلَ یَدَیْهَا وَ أَجْلَسَهَا فِی مَجْلِسِهِ فَإِذَا دَخَلَ عَلَیْهَا قَامَتْ إِلَیْهِ فَرَحّبَتْ بِهِ وَ قَبّلَتْ یَدَیْهِ واذا اراد سفرا کان اخر من یسلم علیه فاطمه فیکون وجهه الی سفره من بیتها واذا رجع بدا بها؛ هرگاه فاطمه (س)به حضور پیامبر(صلّی‌الله علیه وآله)می‌آمد حضرت به وی خوشامد می‌گفت و دستانش را بوسیده، او را در جای خود می‌نشانید و هر گاه پیامبر نزد فاطمه می‌رفت، فاطمه نیز برخاسته، به پدرش خوشامد گفته و دست او را می‌بوسید»(امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۰۰)

۱۷. احترام فاطمه نزد پیامبر (ص) :از عایشه نقل کرده‌اند که: «فاطمه (س) هر گاه بر رسول‌خدا(ص) وارد می‌شد برای او از جای خود بر می‌خاست و سر فاطمه را می‌بوسید و او را در جای خود می‌نشاند و هرگاه پیامبر نزد فاطمه می‌رفت تا فاطمه را ملاقات کند با یکدیگر روبوسی می‌کردند و با هم می‌نشستند.»(بحار، ج ۴۳، ص ۴۰ ـ مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۳ ـ و شبیه به این روایت با اندک تفاوت در امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۴، و نیز در بیت‌الاحزان محدث قمی، ص ۱۵)

۱۸. خوف و رجا: ایشان در مقام خوف و رجا بودند. امید به فضل الهی در عین خشیت از مقام عظمت و جلال الهی در ایشان نهادینه بود. خداوند از این مقام آن حضرت(س) در آیات ۸ و ۱۰ سوره انسان سخن به میان آورده است. خوف آن حضرت(س) نسبت به روز قیامت که روزی بس سخت است در همین آیات نیز بیان شده است که خود بیانگر ارزش‌مندی چنین خوفی در پیشگاه خداوند است. به این معنا که انسان می‌بایست نسبت به قیامت خوف داشته باشد هر چند که در مقام عالی انسانی و قرب تمام باشد.

۱۹. خیرالبریه: خداوند در آیه ۷ سوره بینه از ایشان به عنوان خیرالبریه و در زمره بهترین خلق خود یاد می‌کند. در روایات شیعه و اهل سنّت آمده که مقصود از «خیرالبریّه» علی(ع) و شیعیان او است. (جامع‌البیان ، ج ۱۵، جزء ۳۰، ص ۳۳۵؛ الدرالمنثور، ج۸، ص۵۸۹؛ شواهدالتنزیل، ج ۲، ص ۴۶۵) و شکی نیست که فاطمه(س) از برترین شیعیان و پیروان علی(ع) محسوب می شود.

۲۰. شجره طیبه: خداوند در آیه ۲۴ سوره ابراهیم از ایشان و اهل بیت(ع) به عنوان شجره طیب یاد کرده است. در روایتی از امام باقر(ع) «شجره طیّبه» به رسول خدا(ص) و «فرعها» به فاطمه (س) تفسیر شده است. (شواهدالتّنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۴۰۶) پس فاطمه(س)، شاخه درخت استوار و طیّب الهی است. پیامبر در شأن خاندانش فرمود: یا فاطمه منا خیرالانبیاء و هو ابوک و منا خیرالاوصیاء و هو بعلک و منا خیر الشهداء و هو حمزه عم ابیک و منها من له جناحان یطیر بهما فی الجنه حیث شاء و هو جعفر ابن عم ابیک. و منا سبطا هذه الامه و سید شباب اهل الجنه الحسن و الحسین و هما ابناک و اللذی نفسی بیده منا مهدی هذه الامه و هو من ولدک؛ای فاطمه ! بهترین پیامبران از ماست و آن پدر توست و بهترین اوصیاء از ماست و آن شوهر توست و بهترین شهیدان از ماست که آن حمزه سیدالشهداء عموی پدر توست و از ما شهیدی است که او را در بهشت دو بال است که به وسیله آن در بهشت به هر کجا که بخواهد پرواز می‌کند و آن جعفر پسر عموی پیامبر توست. از ما دو نوه پیامبر این امتند که سید جوانان اهل بهشتند و آن حسن و حسین، دو پسر تواند. قسم به آنکس که جانم در دست اوست مهدی این امت از ماست و او از فرزند توست.(ینابیع المودة، ص ۴۳۶)

۲۱. صبر: از خصوصیات ایشان صبر است که یک فضیلت بسیار مهم در آموزه‌های قرآنی و اسلامی است. خداوند آن حضرت(س) را به این فضیلت می‌ستاید.(انسان، آیات ۸ تا ۱۲) امام علی(ع) درباره صبر و فداکاری آن حضرت(س) فرموده است: فاطمه (س) بقدری با مشک آبکشی کرد تا بر سینه‌اش اثر گذاشت و بقدری با آسیاب دستی آرد کرد تا دستهایش مجروح شد و آنقدر خانه روبی کرد و برای پخت و پز آتش زیر دیگ نهاد که لباسهایش گردآلود و دودی شد؛ و در این امور زحمت و رنج بسیار به او می‌رسید.(بحار، ج ۴۳، ص ۴۲ و ۸۲ ـ بیت‌الاحزان، ص ۲۳) حضرت فاطمه(س) در بیان ارزش و اهمیت صبر می‌فرمایند: خداوند، صبر را وسیله استحقاق و شایستگی پاداش قرار داد. (بحارالانوار، ج ۲۹، ص۲۲۳)

۲۲. عبدالله: از مهم‌ترین مقامات انسانی آن است که انسان عبدالله شود؛ چرا که این بدان معناست که همه اسماءالهی در این شخص تجلی یافته است. خداوند حضرت فاطمه(س) را به عنوان عبدالله می‌ستاید(انسان، آیه ۶؛ مجمع البیان، ج ۹ – ۱۰، ص ۶۱۱؛ الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰؛ المناقب خوارزمی، ص ۲۶۷ – ۳۷۴)) و او را در چنین جایگاهی قرار می‌دهد که سبب خلافت انسان بر همه هستی است.(بقره، آیات ۳۰ و ۳۱)

۲۳. وفا داری: از دیگر ویژگی‌هایی که خداوند حضرت فاطمه(س) را بدان می‌ستاید، وفاداری است. این ویژگی در آیات ۷ تا ۹ سوره انسان بیان شده است. (الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰؛ مجمع البیان، ج ۹– ۱۰، ص ۶۱۱ – ۶۱۲؛ روح المعانی، ج ۱۶، جزء ۲۹، ص ۲۶۷) حضرت فاطمه (س) در بیان اهمیت وفاداری می‌فرمایند: خداوند، وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت و آمرزش خویش قرار داد. (بحارالانوار، ج ۲۹، ص۲۲۳)

۲۴. مهاجرت: از فضایل آن حضرت (س) هجرت در راه خداست که ایشان را در جایگاه بالایی قرار داده بطوری که به عنوان سابقون اولون(پیشتازان نخستین) مورد ستایش الهی قرار می‌گیرد. بر اساس روایات منقول از طرف شیعه، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران پس از هجرت علی(ع) به همراهی فاطمه بنت اسد و فاطمه بنت محمّد(ص) و فاطمه بنت الزّبیر نازل شده است. (تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۴۸۵؛ المیزان، ج ۴، ص ۹۱) بر اساس این آیه ایشان در مسیر دین و هجرت بسیار اذیت شدند و خداوند برای این مسئله آنان را مورد ستایش قرار داده است.

۲۵. سرور زنان: ایشان نه تنها سیده و سرور زنان

حضرت فاطمه(س) به عنوان اهل بهشت از سوی خداوند در آیات سوره انسان معرفی شده است. این بدان معناست که ایشان از نظر قرآن، انسان کاملی است که بر مدار حق بوده و زندگی او بی‌چون و چرا می‌بایست سرمشق قرار گیرد.

جهان است و بر همه آنان سرور است، بلکه به اعتبار آیه ۶۱ سوره آل عمران که از آن به آیه مباهله یاد می‌شود، پیامبر(ص) کسی دیگر را جزو نساء خود نمی‌شناخت. از این رو در مباهله از میان زنان جز ایشان را با خود نبرد تا این‌گونه شایستگی ویژه آن حضرت را نشان دهد؛ چرا که به اتّفاق روایات مفسّران امامیّه و اهل سنّت، مقصود از «نسائنا» ، فاطمه(س) است. (تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۴۷ – ۳۴۹، ح ۱۵۷ – ۱۵۸ و ۱۶۲ – ۱۶۳ و ۱۶۵ – ۱۶۶؛ الدرالمنثور، ج ۲، ص ۲۳۰ – ۲۳۳) روزی رسول خدا (ص)از حضرت فاطمه (س) احوال بپرسید که چگونه‌ای؟ حضرت فاطمه (س) ظاهراً از حالات زندگی و مشقت‌های آن و سختی معیشت و شاید هم از گرسنگی خود و فرزندان و از خالی بودن خانه‌اش از آذوقه سخن گفت. رسول‌خدا (ص) فرمود دخترم آیا به این راضی نیستی که سیده زنان جهان باشی؟ حضرت فاطمه(س) پرسید مگر مریم دختر عمران سیده زنان نیست؟ پیامبر فرمود: او سیده زنان عصر خود بود و تو سیده همه زنانی.(حلیه الاولیاء ج ۲، ص ۴۲)

۲۶. مقربان: آن حضرت(س) از مقربان درگاه الهی بود. همین مقام موجب شد تا حتی حضرت آدم(ع) برای توبه به ایشان متوسل شود تا گره از کارش گشوده شود. خداوند در آیه ۳۷ سوره بقره بیان می‌کند که حضرت آدم(ع) برای توبه به کلماتی متوسل شد که خداوند به او القا کرده است. مقصود از «کلمات» پیامبر(ص) و اهل بیت او از جمله فاطمه(س)است. (تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷ ، ح ۱۴۳– ۱۴۸؛ الدرالمنثور، ج ۱، ص ۱۴۷) پس مأموریّت آدم(ع) برای توسّل به اسامی رسول خدا(ص) و فاطمه (س) و دیگر اهل‌بیت(ع) نشانه قرب آنان در پیشگاه الهی است.

۲۷. کوثر: از دیگر ویژگی‌های آن حضرت(س) مقام کوثر بودن ایشان است. از طریق ایشان نسل پیامبر(ص) باقی و برقرار است و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به عنوان فرزندان پیامبر(ص) از طریق فاطمه (س) است. (کوثر، آیه ۱؛ آل عمران، آیه ۶۱)

۲۸. صداقت و راستگویی: «عایشه» گفته است: هرگز راستگوتر از فاطمه (س) جز پدرش(ص) ندیدم.(بحار، ج ۴۳، ص ۵۳ ـ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۰ ـ مناقب شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۱۹)

۲۹. حجت خدا: یکی از حجت‌های الهی بر بندگان حضرت فاطمه(س) است. ایشان هر چند که امام معصوم یا پیامبر نیستند، ولی سخن ایشان حجت است؛ چرا که خداوند ایشان را به علم لدنی و عصمت در قول و فعل و تقریر ستوده (احزاب، آیه ۳۳) و در آیات سوره انسان به عنوان اهل بهشت معرفی کرده است. پس سخن ایشان برای هر انسان مسلمانی حجت است و می‌بایست از قول و فعل و تقریر ایشان به عنوان سنت الهی پیروی کند. آن حضرت(س) خود در این باره می‌فرماید: اگر به آنچه شما را امر نمودیم عمل می‌کنی و از آنچه شما را بر حذر داشته‌ایم دوری می‌کنی از شیعیان ما هستی و گرنه هرگز. (بحارالانوار، ج ۶۵، ص۱۵۶)

چراغ راه

روزه‌دار حقیقی

قالت فاطمه(س): «ما یصنع الصائم بصیامه، اذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه»

حضرت فاطمه(س) فرمود: روزه‌داری که زبان و گوش و چشم و اعضای بدن خود را از گناه و معصیت، و کارهای زشت و ناپسند باز ندارد، روزه را می‌خواهد چه کند و چه سودی به حال او دارد؟![1]

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۵

حکایت خوبان

عمق شناخت حضرت فاطمه(س) درک «لیلةالقدر» است

از امام صادق(ع) نقل شده است که ذیل سوره قدر آیه شریفه« انا انزلناه فی‌لیلةً القدر» فرمود: مراد از «لیله» حضرت فاطمه زهرا(س) و مقصود از«قدر» خداوند تبارک و تعالی است. پس هر کس فاطمه زهرا(س) را آن گونه که سزاوار است و حق معرفت اوست بشناسد به یقین شب قدر را درک کرده است.[1]

آیه‌الله حسن‌زاده آملی می‌نویسد: وقتی راجع به« لیله‌القدر» مشغول مطالعه بودم،روایات را جمع‌آوری می‌کردم و به حق خسته شدم. مطلب برای من به خوبی پیاده نشد.همه روایات را جستجو کردم، جمع‌آوری و دسته‌بندی نمودم. در نهایت متوسل شدم به حضرت استاد بزرگوارم «مرحوم آیه‌الله شیخ محمدتقی آملی» به ایشان عرض کردم آقاجان! روایت «لیله‌القدر» را نیافتم و برمن معلوم نشد... ایشان به من فرمودند: در آن روایتی که امام صادق (ع) جده‌اش حضرت فاطمه زهرا (س) را«لیله‌القدر» خوانده اند تامل کن. عجبا که ما این همه روایت را جمع‌آوری کردیم اما به این روایت برخورد نکردیم که حضرت فاطمه(س) «لیله‌القدر» است. حدود دو سال بود که در جمع‌آوری روایات زحمت می‌کشیدم اما به این روایت امام صادق(ع) برخورد نکرده بودم... بعد از چند لحظه سکوت و جلوس اجازه مرخصی خواستم و آمدم. دیدم که حال خیلی خوشی دارم و پیش خودم ابتدا چنین تعبیر کردم که بله باید فاطمه زهرا (ص) «لیله القدر» باشد. برای اینکه امام علی (ع) قرآن ناطق است. یازده قرآن ناطق از این«لیله‌القدر» بوجود آمده و نازل شده است. حرف فوق برداشتی است که ابتدا داشتم. ولکن رفتم و حدیث را پیدا کردم که خوشبختانه در تفسیر کوفی هست که می‌فرماید:« من عرف فاطمه حق معرفتها فقدا درک لیله‌القدر» کسی که قدرت درک معرفت و حقیقت وجود فاطمه(س) را داشته باشد پس به درستی که «لیله‌القدر» را درک کرده‌است.[2]

آری انسان کامل قرآن ناطق است و حضرت فاطمه مادر یازده امام معصوم قرآن ناطق است. باید بدین مناسبت آن حضرت لیله‌القدر باشد.[3]

۱-بحارالانوار ،ج۴۳،ص۶۵
۲- جرعه‌های جان‌بخش، آیهًالله حسن‌زاده، ص ۳۶۰
۳-فضائل و سیره چهارده معصوم در آثار استاد حسن‌زاده آملی، ص ۱۲۸

پرسش و پاسخ

پاداش اوج شکوه ایثارگری

پرسش:
آیا این صحیح است که سوره «هل اتی» در شأن و مقام حضرت زهرا(س) و امام علی(ع) و خانواده بزرگوارشان به جهت پاداش اوج شکوه ایثارگری آن ذوات مقدسه نازل گردیده است؟
پاسخ:

علمای شیعه اتفاق نظر دارند که سوره «هل اتی» یا «الانسان» (هجده آیه از آیه ۵ تا آیه ۲۲) درباره حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین(علیهم‌السلام) و خادمه آنها «فضه» نازل شده است.

علامه امینی در کتاب «الغدیر» این شأن نزول را از ۳۴ نفر از علمای معروف اهل سنت نقل کرده است. بنابراین شأن نزول این آیات در میان اهل سنت مشهور، بلکه متواتر است. امام صادق(ع) از قول امام باقر(ع) می‌فرمایند: حسن و حسین علیهما السلام در کودکی بیمار شدند. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله همراه دو نفر از اصحاب از آنها عیادت کرد. یکی از اصحاب به علی علیه‌السلام عرض کرد: چه خوب بود برای شفای دو فرزندت نذری برای خدا می‌کردی. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: نذر می‌کنم اگر خوب شدند سه روز را روزه بگیرم. فاطمه نیز چنین گفت. حسن و حسین علیهما السلام هم گفتند: ما نیز سه روز روزه می‌گیریم. فضه، کنیز آنان، نیز همین نذر را کرد. چندی نگذشت که حسن و حسین علیهماالسلام شفا یافتند. همه به نذر خود وفا کردند و روزه گرفتند، اما برای افطار چیزی در خانه نبود. علی علیه‌السلام نزد یکی از همسایگان یهودی‌اش که پشم‌باف بود و شمعون نام داشت رفت و گفت:

آیا حاضری دختر محمد مقداری پشم برای تو بریسد و تو در برابرش کمی جو بدهی؟

شمعون گفت: بله. و به او کمی پشم داد.

فاطمه علیهاسلام یک‌سوم آن پشم را ریسید و یک صاع جو از شمعون گرفت. آن را آرد کرد و با آن پنج قرص نان پخت؛ برای هر نفر یک قرص نان.

علی علیه‌السلام نماز مغرب را با پیامبر خدا گزارد و به منزل آمد. سفره را گستردند و هر پنج نفر سر سفره نشستند. هنگامی که امیرالمومنین اولین تکه را کند، ناگاه مسکینی در خانه را زد و گفت:

السلام علیکم یا اهل بیت محمد. من مسلمان مسکینی هستم. از آنچه می‌خورید به من بخورانید. خداوند از نعمت‌های بهشت به شما بدهد!» همه اهل خانه هر پنج قرص نان را به مسکین دادند، شب را گرسنه خوابیدند و چیزی جز آب نخوردند.

فردای آن روز را نیز روزه گرفتند. فاطمه سلام‌الله علیها یک سوم دیگر از پشم را ریسید و یک صاع دیگر از جو را آرد کرد و پنج قرص نان پخت. بعد از نماز مغرب، همین که سر سفره نشستند، یتیمی به در خانه آمد و گفت:

السلام علیکم اهل بیت محمد. من یتیمی مسلمان هستم. از آنچه می‌خورید به من نیز بدهید. خداوند شما را از نعمت‌های بهشتی اطعام کند. همه اهل خانه، آن شب را نیز گرسنه سپری کردند و چیزی جز آب نخوردند.

فردا نیز همین اتفاق تکرار شد و این بار اسیری از مشرکین به در خانه آمد و گفت:

السلام علیکم یا اهل بیت محمد ما را اسیر می‌کنید و به بند می‌کشید، اما به ما غذا نمی‌دهید؟ آن شب نیز همه نان‌های خود را به اسیر دادند و با آب افطار کردند و گرسنه خوابیدند.

فردای آن روز علی، حسن و حسین را نزد رسول خدا برد. آنها از فرط گرسنگی مانند جوجه به خود می‌لرزیدند. پیامبر با دیدن آنان فرمود: «ای اباالحسن، حالت شما مرا سخت ناراحت می‌کند. نزد دخترم فاطمه برویم.»نزد فاطمه رفتند و دیدند او در محراب خود، از گرسنگی دچار ضعف شدیدی شده و چشمانش گود افتاده است.

پیامبر او را به سینه چسباند و گفت: «به خدا پناه می‌برم. شما سه روز است که گرسنه‌اید!»

جبرئیل نازل شد و گفت: «ای محمد، آنچه را خداوند برای تو درباره اهل بیت مهیا ساخته است، بگیر.» پیامبر فرمود: چیست؟

جبرئیل آیات آغازین سوره «هل اتی» را قرائت کرد تا رسید به آیه «انّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورا.» این بهشت به حقیقت پاداش (اعمال) شما است و سعی و اشتیاقتان (در راه اطاعت حق) مشکور و مقبول است.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۷